

الهی اردبیلی و اولین شرح فارسی نهج البلاغه

علی صدراپی خوبی *

چکیده

این مقاله در باره کمال الدین حسین الیهی اردبیلی (قرن ۹ و ۱۰ ق.م) عالم شیعه امامی اهل اردبیل است که دهها کتاب برای ترویج معارف شیعی به زبان فارسی نگاشت؛ از جمله شرح های فارسی بر نهج البلاغه که مورد توجه دانشوران معاصرش قرار گرفت. نگارنده کتاب منهاج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه نوشته الیهی را نخستین کتاب فارسی در شرح نهج البلاغه می داند. در این مقاله شرح حال الیهی آمده که بر اساس آن، وی علاوه بر پنج دهه تدریس در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، سمت قضاوت را نیز در آنجا داشته است. نگارنده منابع شرح حال او به ترتیب زمان و فهرستی از حدود چهل کتاب او به سه زبان فارسی و ترکی و عربی در موضوع های مختلف (عقائد، زیارت، تفسیر قرآن، ریاضیات، کلام، فقه، اصول، هیئت و ادبیات) آورده است. استنساخ کتابها و تملک او بر کتابها و اجازات علمی او نیز، بخشی دیگر از خدمات علمی او است. الیهی چهار کتاب خود را به نهج البلاغه اختصاص داده که نگارنده به تفصیل در باره آنها و نسخه های خطی شان و جایگاهشان در مجموعه شروح نهج البلاغه سخن می گوید، درونمایه آنها را می شناساند و اشعار الیهی را از آنها استخراج می کند.

* نسخه شناس، کتاب شناس و پژوهشگر حوزوی در زمینه نسخه پژوهی.



کلیدواژه‌ها

نهج البلاغه (کتاب) - شرح های فارسی؛ الهی اردبیلی، کمال الدین حسین (قرن ۹ و ۱۰ ق.) - شرح حال و آثار؛ منهاج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه (کتاب)؛ نسخه های خطی؛ اردبیل - عالمان شیعی؛ بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی - مدرسان و قاضیان؛ الهی اردبیلی، کمال الدین حسین (قرن ۹ و ۱۰ ق.) - اشعار.

درآمد

کمال الدین حسین الهی اردبیلی از دانشمندان به نام شیعه، در اواخر سده هشتم و نیمه اول سده نهم هجری است. الهی اردبیلی از اولین دانشمندانی است که تلاش نمود معارف شیعه را به زبان فارسی در آورد و آثار قابل توجهی را در این زمینه تالیف نمود. موضوع این نوشتار، اثر مهم الهی به فارسی است که طرح نوی بود که توسط وی در انداخته شد و بعداً راه کمال را پیمود. ابتکار قابل توجه الهی، شرح و ترجمه نهج البلاغه به زبان فارسی بود که بلافاصله در عصر وی، این اقدام او مورد توجه نویسندگان معاصرش قرار گرفت و چند شرح فارسی بر نهج البلاغه، پس از شرح الهی نگاشته است. در اینجا ابتدا نظری داریم بر احوال و آثار الهی اردبیلی و سپس به شرح وی که اولین شرح فارسی بر نهج البلاغه به شمار می رود، خواهیم پرداخت.

۱. الهی اردبیلی

کمال الدین^۱ حسین بن خواجه شرف الدین عبدالحق الهی اردبیلی، از دانشمندان به نام شیعه، در اواخر سده هشتم و نیمه اول سده نهم هجری است. شرح حال نویسان با توجه به آثار الهی، وی را شیعه، مفسر، متکلم، فیلسوف، ستاره شناس، ریاضی دان، فقیه، شاعر و اصولی، معرفی نموده اند. الهی سال ۸۶۰ یا ۸۷۰ ق در اردبیل چشم به جهان گشود^۲ و بعد

۱ دز برخی مصادر لقب وی «جلال الدین» هم ذکر شده است.

۲ الهی اردبیلی در مقدمه تفسیر سوره فاتحه می نویسد که: «إِلَى أَنْ تَجَاوَزَ سِتُونَ عَمْرِي مِنَ السِّتِينَ بَلْ مِنَ السَّبْعِينَ وَ حَانَ أَوَانُ الْإِنْقِطَاعِ عَنِ الْإِشْتِغَالِ بِغَيْرِ عِبَادَةِ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و این نشان می دهد که او خود در تاریخ تولدش حدود ده سال تردید داشته است.

از هفتاد و بلکه هشتاد سال در همان شهر به سال ۹۵۰ ق، رخ در نقاب خاک کشید و در بقعه شیخ صفی در آرامگاه ابدیش قرار گرفت.

۲. رشد و بالندگی

الهی در زادگاهش تحصیل علوم را آغاز کرد. او علوم شرعی را از محضر شیخ علی آملی در اردبیل، فرا گرفت. بعد از آن به اشاره شیخ حیدر - پدر شاه اسماعیل صفوی - برای ادامه تحصیل راهی شیراز شد. او در شیراز، از جلال الدین محمد دوانی (م ۹۰۸ ق) شواکل الحور اثر خود دوانی را فرا گرفت و از امیر غیاث الدین منصور دشتکی بن امیر صدر الدین محمد شیرازی (م ۹۴۸ ق)، کلام و حکمت آموخت. الهی در جمادی الاول ۸۹۲ ق، از دوانی اجازه روایت و تدریس اخذ نموده و بعد از آن راهی هرات گردید. او در هرات نزد امیر جمال الدین عطاء الله حسینی، به آموختن تفسیر و حدیث پرداخت و قسمتی از مشکاة المصابیح خطیب تبریزی و کتاب صحیح بخاری و کتاب صحیح مسلم و بخشی از انوار التنزیل بیضاوی را نزد او فرا گرفت و در سال ۸۹۹ ق موفق به اخذ اجازه نقل روایت از وی گردید. الهی همچنین در هرات با امیر علی شیر نوایی و شاهزاده غریب میرزا فرزند سلطان میرزا مرادوات علمی داشت و سه اثر ریاضی به نام امیر علیشیر نوایی تألیف کرد. وی در سال ۹۰۲ ق به زادگاهش اردبیل بازگشت و در بقعه شیخ صفی مشغول تدریس و افاده شد و تا آخر عمر در آن شهر زیست تا در سال ۹۵۰ ق، رخت از سرای فانی به دار عافیت و بقا کشید.

دوران بالندگی الهی، مصادف با حوادث و وقایع متلاطمی در ایران زمین و خصوصاً شهر اردبیل بود. ظهور شاه اسماعیل صفوی در این دوره اتفاق افتاد و او یکی از مشوقان شاه جوان بود و کتابی در امامت به ترکی و منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه را به فارسی، به نام او تألیف نمود. الهی بعد از شاه اسماعیل تا آخر عمرش از ملازمان شاه طهماسب صفوی بود و تلخیص شرح نهج البلاغه^۱ را به وی تقدیم نموده است.

۳. الهی در اسناد بقعه شیخ صفی

الهی اردبیلی سال ها در بقعه شیخ صفی علاوه بر تدریس به عنوان قاضی هم ایفای نقش مینمود.

۱ درباره منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه و تلخیص آن، در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد.

نام و مُهر الهی و فرزندش محمد، در اسناد باقیمانده از موقوفات آستانه شیخ صفی، به عنوان معتمد متولی در جایگاه قاضی به همراه مُهر و امضای چند قاضی دیگر آمده است. این اسناد نشانگر جایگاه ویژه این بقعه در آن دوره و جایگاه والای الهی در نزد حاکمان صفوی است. صدیق دانشمند و سند پژوه خبره، جناب استاد عماد الدین شیخ الحکمایی در اثر ارزشمند خود فهرست اسناد بقعه صفی اردبیلی موارد متعددی از این اسناد را ذکر نموده اند. بر اساس این اسناد، نام و مُهر الهی اردبیلی در آخر شش سند به عنوان قاضی ذکر شده است. سند اول از این اسناد در تاریخ جمادی الثانی ۹۱۲ ق و آخرین سند در تاریخ رمضان ۹۴۸ ق منعقد شده است. تاریخ سند آخر، می تواند تاییدی بر صحت تاریخ فوت الهی در سال ۹۵۰ ق، باشد - که سام میرزا ذکر نموده - زیرا بعد از این تاریخ در اسناد، نام فرزند الهی وی آمده و از نام خود الهی، اثری نیست.^۱

۴. مصادر شرح حال الهی

اولین گزارش دقیق از احوال الهی را سام میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی در تذکره ارزشمند خود «تحفه سامی» نوشته است.

سام میرزا در صحیفه دوم کتابش که در ذکر علماء، آن را منعقد نموده از الهی اردبیلی به عنوان سومین عالم یاد کرده و دو بیت از اشعار او را آورده است.^۲

از معاصران الهی، حسن بیگ روملو - که از ملازمان شاه طهماسب بوده و گویا با الهی ملاقات نیز داشته - در احسن التواریخ، فقط در يك مورد از الهی یاد کرده است. روملو در ضمن وقایع سال ۹۴۰ ق، در گزارش درگذشت محقق کرکی، از الهی و معارضه اش با محقق کرکی یاد کرده است.^۳

در اوائل قرن یازدهم هجری تقی الدین محمد اوحدی حسینی دقایی بلیانی اصفهانی (۹۷۳-۱۰۴۰ ق)، در عرفات العاشقین و عرصات العارفین، از الهی به صورت خیلی

۱ فهرست اسناد بقعه صفی الدین اردبیلی، عماد الدین شیخ الحکمایی، ص ۷۲-۷۳.

۲ تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، ص ۷۷-۷۸.

۳ احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، ص ۳۳۳-۳۳۴ (وقایع سال ۹۴۱ ق).

مختصر در دو سطر و با نقل دو بیت شعر او، یاد کرده، که معلوم است همه را از تحفه سامی
اخذ کرده است.^۱

در قرن دوازدهم عالم متبع میرزا عبد الله افندی اصفهانی (متوفای حدود ۱۱۳۵ ق)
در ریاض العلماء، گزارش دقیقی از احوال و آثار الهی اردبیلی، ارائه نموده است. وی تمام
مشخصات و نام آثار الهی را با جزئیات کامل در اثر ارزشمند خود درج کرده است.^۲
در قرن سیزدهم علامه میرزا محمد حسن زنوزی خویی (متوفی ۱۱۲۳ ق) در روضه
چهارم از ریاض الجنة، در شرح حال الهی، فقط به ذکر کوتاهی از شرح گلشن راز الهی اکتفا
نموده است.^۳ محمد باقر موسوی خوانساری در روضات الجنات، گزیده ای از گزارش افندی
را، در احوال الهی نقل کرده است.^۴

در دوره معاصر نیز محمد علی خان تربیت در دانشمندان آذربایجان^۵ و سعید نفیسی در
تاریخ نظم و نثر در ایران، و احمد گلچین معانی در شروح گلشن راز و شیخ آقا بزرگ تهرانی
در الذریعه در موارد متعدد و در طبقات اعلام الشیعة، از الهی اردبیلی یاد کرده اند.

در سال ۱۳۶۸ ش استاد نجیب مایل هروی، رساله کشف الاسرار الهی را با مقدمه ای در
احوال و آثار وی در ضمن مجموعه دفتر اول رسائل خطی فارسی، منتشر نمود.^۶ و در سال
۱۳۸۰ ش مطالب همان مقدمه را با بسط و تفصیل و اصلاحاتی در مدخل «الهی اردبیلی،
جلال الدین حسین» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، درج نمود.^۷

و در نهایت احوال و آثار الهی اردبیلی در کتابهای: اردبیل در گذرگاه تاریخ^۸، دایرة المعارف
تشیع، با دو مدخل «الهی اردبیلی، جلال الدین حسین» و «الهی اردبیلی، کمال الدین

۱ عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تقی الدین اوحدی بلیانی اصفهانی، ج ۲، ص ۱۲۳۱.

۲ ریاض العلماء، میرزا عبد الله افندی، ج ۲، ص ۹۸-۱۰۸.

۳ ریاض الجنة، روضه چهارم، ج ۲، ص ۴۷۰-۴۷۱.

۴ روضات الجنات، محمد باقر موسوی خوانساری، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۵ دانشمندان آذربایجان، ص ۴۷-۴۹ و ۳۳۷.

۶ مجموعه رسائل خطی فارسی (نشریه بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی) دفتر اول، بهار ۱۳۶۸ ش، ص
۱۳۷-۱۶۷.

۷ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، انتشار ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۱-۱۱۴.

۸ اردبیل در گذرگاه تاریخ، بابا صفری، ج ۳، ص ۳۰۱-۳۰۴.





حسین»، تعلیقات روضه رابعه ریاض الجنة میرزا محمد حسن زنوزی^۱ (نگاشته دانشمند محترم علی رفیعی علامرودشتی)، اثر آفرینان^۲، دانشمندان آذربایجان^۳، فرهنگ سخنوران^۴، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی^۵، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا))^۶، گلشن راز متن و شرح^۷، مفاخر آذربایجان، مقدمه شرح گلشن راز الهی، مقدمه جلد اول منهج الفصاحة، به اجمال و تفصیل آمده که اغلب تکرار مطالب مصادر قبلی است.

۵. آثار

الهی اردبیلی مولفی پر کار بود، خوشبختانه سه لیست معتبر از آثار وی را در دست داریم. اولی فهرستی که خود الهی در اجازه اش به ابراهیم صفوی ذکر نموده، دومی فهرستی که افندی در ریاض العلماء با - تبعی قابل تحسین - از روی نسخه‌های اصل آثار الهی، ثبت نموده و سومی فهرستی که در بخش مولفان فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) از آثار موجود الهی، به دست آمده است. البته در الذریعه هم آثار الهی ذکر گردیده، ولی اساس آن همان فهرست افندی است. استاد نجیب مایل هروی و آقای دکتر بزرگر و خانم الهی روحی دل - که هر کدام يك اثر از الهی را منتشر نموده اند - در مقدمه آثار مذکور، نام و توضیحات سی و سه اثر از آثار الهی را ذکر نموده اند.

شایان ذکر است که برای تعداد قابل توجهی از آثار الهی اردبیلی، تاکنون نسخه‌ای شناسایی نشده، که امیدواریم در آینده شناسایی شوند. به هر حال آنچه از آثار الهی در مصادر یاد شده عبارتند از:

۱. اثبات الواجب، شرحی است بر «اثبات واجب جدید» جلال الدین دوانی. در الذریعة گفته شده که الهی این رساله را در سال ۹۱۶ ق، مطابق عدد کلمه «اثبات واجب» نگاشته

- ۱ ریاض الجنة، روضه چهارم، ج ۲، ص ۴۷۰-۴۷۱.
- ۲ اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ش)، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱.
- ۳ دانشمندان آذربایجان، محمد علی خان تربیت، ص ۴۷-۴۹ و ۳۳۷.
- ۴ فرهنگ سخنوران، عبد الرسول خیامپور، ص ۵۵.
- ۵ فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، عماد الدین شیخ الحکمایی، در صفحات متعدد.
- ۶ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، ج ۳۵ (نمایه مولفان)، ص ۲۹۱.
- ۷ گلشن راز (متن و شرح)، کاظم دزفولیان، ص ۶۹، که یکی از مآخذ وی، شرح گلشن راز الهی اردبیلی است.

است. مؤلف در دیباچه این شرح نوشته است: «در برخی از نوشته های دوانی در رساله اثبات الواجب، جای تأمل یافتیم و خرده هایی دیدیم و به درخواست بعضی از دوستان، این رساله را برای روشن ساختن اشکالات مزبور پرداختم».

وی نخست چند سطر از دوانی، پس از عنوان «قوله» نقل می کند و آنگاه به شرح و خرده گیری می پردازد و بیشتر در آغاز سخن خود «اقول» می آورد.

آغاز کتاب: «بسمله. الحمد لله على انعامه العام و اكرامه التام، والصلوة والسلام على سيد الانام و افضل رسل الله ... اما بعد فيقول الفقير الى عفوره العلي، حسين الالهي الاردبيلي غفرالله له ولوالديه واحسن اليهما واليه، لما كان المقصد الاقصى والمطلب الاعلى اثبات وجود الواجب سبحانه وتعالى وصفاته العلي ...».

در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) هفت نسخه از این اثر معرفی شده است.^۱
۲. اساس القواعد فی اصول الفوائد: در مصادر جدید یکی از آثار الهی را کتاب «اساس القواعد فی اصول الفوائد»، ذکر نموده اند. اولین بار شیخ آقا بزرگ در الذریعه عنوان کرده که «گفته شده کتاب اساس القواعد فی اصول الفوائد از تالیفات الهی اردبیلی است»^۲. بعد از آن این مطلب به صورت قطعی در مقدمه کشف الاسرار^۳ و در مقاله احوال و آثار الهی اردبیلی، آمده است.^۴

در توضیح این اشتباه باید گفت که: «اساس القواعد فی اصول الفوائد» شرحی است به عربی بر کتاب «الفوائد البهائية فی القواعد الحسابية» تالیف عماد الدین عبدالله بن محمد البغدادی حربوی (متوفی ۷۲۴ ق). شارح آن حسن بن علی فارسی از شاگردان مولف و در سال ۷۱۸ ق در قید حیات بوده است. بنابر این مولف این کتاب حداقل صد سال قبل از تولد الهی اردبیلی می زیسته است.

۱ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱، ص ۴۷۰.

۲ الذریعه، ج ۳، ص ۵.

۳ مقدمه کشف الاسرار از استاد نجیب مایل هروی، ص ۱۴۳.

۴ مجله میراث جاویدان، ش ۹، بهار ۱۳۷۳ش، مقاله احوال و آثار الهی اردبیلی، دکتر محمد رضا بزرگر خالقی، ص ۱۳۳.





در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) پنج نسخه از این شرح معرفی شده، که دو نسخه از آنها تحریر سال ۷۲۱ و ۷۲۹ ق می باشد.^۱

۳. امامت به ترکی: این کتاب را الهی به نام شاه اسماعیل صفوی تألیف نموده است. استاد نجیب مایل هروی، در مقدمه کشف الاسرار، عنوان نموده که الهی این رساله را زمانی که در هرات بوده، به نام امیر علیشیر نوایی، نگاشته است.^۲ ولی در مقاله دایرة المعارف از این نظر عدول نموده و گفته که آن را به نام شاه اسماعیل نگاشته است.^۳

۴. امامت به فارسی: در برخی مصادر کتابی با نام «امامت به فارسی» به الهی نسبت داده شده^۴ ولی دکتر بزرگر - به درستی معتقد است - که این کتاب همان «تاج المناقب فی فضائل الائمة الاثنی عشر» است. ایشان منشاء این اشتباه را تعبیر افندی در ریاض العلماء دانسته که بدون ذکر نام «تاج المناقب»، فقط زبان و موضوع آن را ذکر کرده با این عبارت: «وله ایضاً کتاب فی فضائل الائمة الاثنی عشر وادلة امامتهم بالفارسیة، طویل الذیل، الفه للسلطان شاه طهماسب، رایته فی بلدة بارفروش من بلاد مازندران وغیره».^۵ اگر استدلال دکتر بزرگر را نپذیریم، در این صورت کتاب «امامت به زبان فارسی» یکی دیگر از آثار مفقود الهی خواهد بود.

۵. تاج المناقب فی فضائل الائمة الاثنی عشر: کتابی است در شرح مناقب و وصف مراتب و بیان کرامات و ذکر معجزات و مقامات و فضایل حسبی و شمایل نسبی دوازده امام علیهم السلام در دوازده جوهر.

آغاز: «بسمله. پاکا پروردگاری که نقاب رخسار کمال او نیست مگر کثرت نور و جیذا کردگاری که حجاب انوار حسن و جمال او نیست بغیر از شدت ظهور. رباعی: ای گشته بذات خود هویدا چون نور...».

انجام: «... هر یک از شما هشت پاره خورده باشید پس مهمان از نه پاره تو یک پاره خورده باشد از پانزده پاره هفت پاره پس او را هفت درهم باشد و ترا یکی».

۱ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳، ص ۱۸۷.

۲ مقدمه کشف الاسرار، ص ۱۴۴.

۳ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۴ همان.

۵ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۲.



- در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) هفت نسخه از این اثر معرفی شده است.^۱
۶. ترجمه کتاب المزار شهید اول: این ترجمه مشتمل بر دو باب و باب اول در هشت فصل و يك خاتمه و باب دوم مشتمل بر هفت فصل و يك خاتمه می باشد.
- آغاز: «بسمله، اللهم یا من جعل الحضور فی مشاهد اصفیائه...»
- انجام: «... فجزاك الله عن النبی صلی الله علیه و آله و من اهل بیته علیهم السلام».
- در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) يك نسخه از این کتاب در آستاد قدس رضوی به شماره ۳۱۲۷، معرفی شده که تصویری از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به شماره ۱۷۷۸، نگهداری می شود.^۲
۷. ترجمه مصباح المتهدجد شیخ طوسی: این ترجمه را الهی برای خواجه نعیم الدین نعمه الله بن خواجه محمد علوی صفوی شهید ترجمه نموده است.
- آغاز: «شکر و سپاس پروردگاری را جلت عظمته...».
- در فهرست فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) يك نسخه شخصی از این کتاب معرفی شده که فیلمی از آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره (۴۶۱۳ ف) نگهداری می شود.^۳
۸. ترجمه مهج الدعوات ابن طاووس: الهی در این ترجمه روایات کتاب مهج الدعوات را ترجمه تحت اللفظی کرده و اسناد آنها را حذف نموده است. او دعاها را ترجمه نموده است.
- آغاز: «بعد از حمد و صلوات چنین گفت افضل علماء اشراف مجد آل رسول شرف عترت طاهره...».
- در فهرستگان نسخه خطی حدیث و علوم حدیث شیعه از این ترجمه چهارده نسخه^۴ و در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) يك نسخه از این ترجمه معرفی شده است.^۵
۹. ترجمه نهج البلاغه: (درباره این ترجمه در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد)

۱ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۶، ص ۵۰۶.

۲ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۹، ص ۲۱۴.

۳ همان، ج ۲۹، ص ۱۱۹.

۴ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۸، شماره ۳۷۲۲.

۵ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ص ۶۰۶.

۱۰. تفسیر القرآن الکریم: افندی اصفهانی تفسیر سوره فاتحه و بخشی از تفسیر سوره بقره آن که به عربی و به دست الهی در حدود ده هزار سطر کتابت شده بود در اردبیل دیده بود.^۱ نگارنده اخیراً دو نسخه از این تفسیر را شناسایی نموده و با همکاری سرکار خانم ثریا قطبی مشغول تحقیق و تصحیح آن شده و به عنایت حضرت باری به زودی منتشر خواهد گردید.^۲
۱۱. تفسیر قرآن کریم: افندی عنوان نموده که تفسیر فارسی الهی در دو جلد بوده که به خط الهی در اردبیل در روضه شیخ صفی الدین اردبیلی آنها را دیده است.
۱۲. تلخیص تحریر اقلیدس خواجه نصیر الدین طوسی.
۱۳. حاشیه تحریر اقلیدس خواجه نصیر الدین طوسی.
۱۴. حاشیه حاشیه الجلالیه: حاشیه ای است بر حاشیه جلال الدین دوانی بر شرح تجرید قوشچی معروف به شرح جدید.
۱۵. حاشیه حاشیه الصدریه: حاشیه ای است بر حاشیه سید صدر الدین دشتکی بر شرح تجرید قوشچی معروف به شرح جدید. این حاشیه را سید صدر الدین در نقد حاشیه دوانی بر شرح قوشچی نوشته است.
۱۶. حاشیه شرح اثبات العقل خواجه نصیر: حاشیه ای است بر شرحی که جلال الدین دوانی بر رساله اثبات العقل خواجه نصیر طوسی نوشته است.^۳
۱۷. حاشیه شرح التجرید الجدید: حاشیه ای است بر شرح تجرید قوشچی تا مبحث علت و معلول (از امور عامه) و به نوشته حاجی خلیفه و کنتوری، الهی نخستین کسی است که بر شرح تجرید حاشیه نوشته است. وی در آغاز دیباچه این کتاب می گوید: «در این کتاب افکار خود و خلاصه افکار و تحقیقات متأخران بخصوص تحقیقات استاد الاقاصی و الادانی جلال دوانی را گرد آورده و اشکالاتی که بر دوانی داشته ام با اشاره یاد کرده ام».
- آغاز: «احسن کلام نزل من سماء التوحید علی جنان ارباب التجرید حمد الواجب ... فیقول الفقیر الی عفوریه العلی حسین بن عبدالحق الهی اردبیلی ... (قوله) الذین هم موصوفون بزیادة

۱ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲ همان.

۳ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۱، ص ۸۹۰.

الكرم على من عداهم من محبوبيه. هذا الوصف اما للتخصيص فيكون المراد بالآل والاصحاب البعض اعنة اميرالمؤمنين (ع) وفاطمه واولادهما...».

انجام: «... ولاشك ان احدا لايقول ببطلان صدق المشتق ... ولا يمكن القول بدخول». در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) شش نسخه از این اثر معرفی شده است. ۱۸. حاشیه شرح التذكرة النصيرية: حاشیه ای است بر شرح التذکره فی المهیئة تالیف خواجه نصیر الدین طوسی.^۱

۱۹. حاشیه شرح الشمسية (= حاشیه تحریر القواعد المنطقية فی شرح الرسالة الشمسية): در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) یک نسخه از این اثر، در کتابخانه ملی تهران به شماره ۲/۲۲۹۸ معرفی شده، که فقط نه برگ آغاز آن را دارد.

۲۰. حاشیه شرح المطالع: سراج الدین ارموی (م ۶۸۹ یا ۶۸۲ ق)، کتابی در منطق و حکمت نگاشته است به نام مطالع الانوار. بخش منطق این کتاب را قطب الدین رازی (م ۷۶۶ ق)، شرح نموده و آن را «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» نام نهاده که به شرح مطالع معروف است و الهی حاشیه ای بر آن نوشته است.^۲

۲۱. حاشیه شرح المواقف: حاشیه متوسطی بر شرح میر سید شریف جرجانی بر «المواقف» قاضی عضد الدین ایچی (م ۷۵۶ ق) است که به صورت «قوله، قوله» تنظیم شده است. در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) یک نسخه از این اثر در کتابخانه مسجد اعظم قم، به شماره ۱/۲۸۴۸، معرفی شده، است.

آغاز: «قوله ضمن خطبة كتابه: الاشارة الى مقاصد علم الكلام ای انواع مقاصده من اقصاها وهي مباحث الذات والصفات والنبوة وما يتفرع عليها وادناها وهي مباحث كمباحث الممكنات فی الجواهر».

انجام: «... قلت بل يصح غاية الامر ان يكون فی قبيل الوصف بحال المتعلق يؤيد ما ذكرنا انه يبحث عن هذه الامور فی الحكمة مع انها باحثة عن اخبار الموجودات».

۱ همان، ج ۱۱، ص ۴۵۹.

۲ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۲، ص ۶۴.



۲۱. حاشیه شرح الهدایه الاثیریة: اثر الدین ابهری کتابی در حکمت نوشته که به «هدایه اثیریة» معروف است. قاضی کمال الدین حسین میبدی بر این کتاب شرحی نوشته که به شرح هدایه میبدی معروف است و الهی بر آن حاشیه نوشته است.
۲۲. حاشیه شرح هدایه الاثیریة للمیرک: حاشیه مفصلی بر «شرح هدایه الحکمة» نگاشته محمد بن مبارکشاه بخاری معروف به میرک جنگی است. در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) يك نسخه از این اثر در کتابخانه مسجد اعظم قم، به شماره ۱/۲۸۴۸، در ۱۲۹ برگ معرفی شده، است.
- آغاز: «قوله القسم الثانی فی الطبیعیات ارادبها الاجسام الطبیعیة ای القسم الثانی فی بیان التصورات و التصدیقات المتعلقة بالاجسام الطبیعة اوفی بیان احوالها و قدیراد بها».
- انجام: «... فلایکون الاعراض مشخصة حقیقة و قدسبق فی بحث تشخص الصورة ان المشخص هو الاعراض المطلقة فلیطالب تحقیق ذلك من ثمة».^۱
۲۳. حاشیه قواعد الاحکام علامه حلی در فقه.
۲۴. حاشیه قواعد العقائد خواجه نصیر طوسی در کلام و اعتقادات.
۲۵. خلاصه الفقه: رساله ای بوده به فارسی در فقه شیعه.
- در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) دو نسخه به نام خلاصه الفقه در کتابخانه ملی تهران (شماره ۲۵۶۸۰ و شماره نسخه: ۲۵۷۰۴)، معرفی شده که احتمالاً باید همین کتاب الهی اردبیلی باشد و نظر قطعی در این زمینه نیاز به رویت نسخه و بررسی بیشتر آنها دارد.
۲۶. شرح ارشاد الازهان: افندی در ریاض العلماء عنوان نموده که در اردبیل مشهور بوده که الهی ارشاد الازهان علامه حلی را شرح کرده و بعد از آن گفته که من (افندی) نسخه ای از آن ندیدم. افندی بعد احتمال داده که گویا منظورشان همان کتاب خلاصه الفقه، بوده که الهی آن را به فارسی نگاشته و به منزله خلاصه ارشاد الازهان است.^۲

۱ همان، ج ۱۲، ص ۸۱.

۲ همان.

۲۷. شرح و ترجمه شرح کنایات و استعارات شرح نهج البلاغه: شرح و ترجمه ای است که الهی بر کنایات و استعارات به کار رفته در کتابش منهج الفصاحة - که شرح مفصلی بر نهج البلاغه سید شریف رضی است - نگاشته است.

آغاز: «حمد و سپاس بی قیاس بدیع الاساسی که سخنوران میدان نهج بلاغت و فصاحت». تاکنون از این اثر سه نسخه (۱. نسخه مدرسه حبیبیه شهر فردوس خراسان^۱، ۲. نسخه کتابخانه ملک تهران، ش ۴۳۷۹^۲، ۳. نسخه کتابخانه مجلس ش ۷۶۶۲^۳) شناسایی شده است.

۲۸. شرح اشکال التاسیس، اثر محمد بن اشرف سمرقندی (م ۶۰۰ ق) در علم هندسه.
۲۹. شرح بیست باب در اسطرلاب: گزارشی است مزجی و مبسوط بر رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی. در بالای صفحه اول - تنها نسخه شناخته شده از این اثر - چنین آمده است: «مطلع الانوار در شرح رساله اسطرلاب از مولانا حسین اردبیلی».

آغاز: «بسمله. این مختصری است در معرفت اسطرلاب و اعمال آن مشتمل است بر بیست باب، اسطرلاب لفظی است یونانی در تفسیر آن اختلاف است بعضی گفته اند که اسطر ترازو را گویند و لاب، آفتاب را ...» .

انجام: «... چنانکه در آن اشتباه نیفتد او را در این باب کفایت باشد ما جدول عرض و جهت اعظم این کواکب را در اینجا وضع کردیم بدین صورت و این است صورت تمامی سخن در معرفت اسطرلاب و الله اعلم بالصواب»^۴.

در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) فقط يك نسخه از این رساله در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شماره ۱۱/۱۴۸۱۳، در هشتاد و هفت صفحه معرفی شده است.

۱. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۶، ص ۷۳۹.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک، ج ۷، ص ۳۶۹ و ۷۵؛ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۴، شماره ۱۹۶۶.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۲۶، ص ۱۶۲؛ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۴، شماره ۱۹۶۶؛ فنخا، ج ۲۶، ص ۷۳۹.

۴. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۹، ص ۲۰۹.





۳۰. شرح تهذیب الوصول الی علم الاصول: شرحی است بر کتاب تهذیب الوصول علامه حلی، الهی تألیف این شرح را در اواخر ربیع الاول ۹۴۳ ق به پایان رسانده است. آغاز: «الحمد لله الذی افاض علی قلوب العارفين رحیق التحقيق فی اصول الشریعة الغراء وشرح صدور العلماء بنور تهذیب الظاهر...».

انجام: «... ثم القول بالموجب مع سوال ترکیب و العقد یكون خمسة و عشرين و قد بلغ الکلام فی هذا المقام».

در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) فقط يك نسخه از این رساله در کتابخانه مصلح الدین مهدوی در اصفهان، به خط نستعلیق علی بن محمد بن مقیم، تحریر شده در سال ۹۷۸ ق، در ۲۰۲ برگ، معرفی شده است.^۱

۳۱. شرح الجغمینی: محمود بن عمر الجغمینی (م ۶۱۸ ق) کتابی در هیئت و نجوم موسوم به «الملخص فی الهیئة» نگاشته است، بعد از آن قاضی زاده رومی (زنده در ۸۱۵ ق) شرح بر آن نوشته که به شرح چغمینی، معروف است. الهی اردبیلی حاشیه ای بر شرح چغمینی نوشته بلکه - چنانچه در حاشیه ریاض العلماء آمده - شرحی بر اصل کتاب «الملخص فی الهیئة» نگاشته است.

۳۲. شرح گلشن راز: شرح معروفی است بر منظومه عرفانی «گلشن راز» شیخ محمود شبستری (م ۷۴۰ ق). الهی در آغاز شرح، مقدمه ای در دوازده مطلع آورده و از شرح «مفاتیح الاعجاز» لاهیجی نیز در شرحش بهره برده است. الهی در شرحش اشعاری از خود نیز آورده است. الهی شرحش را در سال ۹۰۸ ق به اتمام رسانده و بیت زیر را در ماده تاریخ اتمام آن سروده است:

شده تاریخ اتمامش چو روشن

زده عقلش رقم از شرح گلشن^۲

آغاز: «بسمله. افتح علینا ابواب فضلك یا حکیم...».

۱ همان، ج ۱۹، ص ۳۵۱.

۲ ریاض الجنة، میرزا محمد حسن زنوزی، روضه چهارم، ج ۲، ص ۴۷۲.

به نام آنکه دل در گلشن راز هزاران نغمه کرد از عشق او ساز
اما بعد چنین گوید ... حسین بن عبدالحق الاردبیلی الالهی ... که این ورقی چند است
در شرح عبارات ... گلشن راز».

انجام: «چنانش بهره ور ساز از عبادت که باشد ختم کارش بر سعادت»
محقق توانمند زنده یاد احمد گلچین معانی این شرح را به تفصیل در مقاله ارزشمند خود
«گلشن راز و شروح مختلف آن» این اثر را معرفی نموده اند.^۱ در فهرستگان نسخه های خطی
ایران (فنخا) از این شرح چهار نسخه معرفی شده است.^۲ این شرح با مقدمه و تصحیح و
تعلیقات دکتر محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی به سال ۱۳۷۶ ش و توسط مرکز نشر
دانشگاهی منتشر شده است. همچنین دکتر برزگر گزارشی از مقدمه آن را در مقاله ای با عنوان
«شرح حال و آثار الهی اردبیلی»، در بهار ۱۳۷۴ ش، ارائه نموده است.^۳ و دست آخر اینکه
منتخبی از شرح گلشن راز الهی در کتاب «گلشن راز، متن و شرح بر اساس قدیمی ترین و
مهم ترین شروح گلشن راز» منتشر شده است.^۴

۳۳. شرح شواکل الحور فی شرح هیاکل النور: هیاکل النور اثری است تالیف شیخ
اشراق یحیی بن حبش سهروردی (م ۵۸۷ق). دوانی شرحی بر آن نوشته به نام شواکل الحور
فی شرح هیاکل النور. الهی اردبیلی نیز شرحی بر شرح استادش دوانی نوشته است.^۵

۳۴. فراست: رساله کوتاهی است در یک مقدمه، دو حرف و یک خاتمه:

مقدمه: در تعریف علم فراست

حرف اول: بیان دلیل بودن دلایل کلیه برای احوال و اخلاق انسان،

۱ گلشن راز و شروح مختلف آن (مقاله)، احمد گلچین معانی، ص ۷۶-۸۵.

۲ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۰، ص ۵۹۶.

۳ مقاله «شرح حال و آثار الهی اردبیلی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۹ (بهار ۱۳۷۴ ش) ص ۱۳۲-۱۴۳.

۴ گلشن راز، متن و شرح بر اساس قدیمی ترین و مهم ترین شروح گلشن راز، ص ۵۶-۶۱. شایان ذکر است که در
صفحه ۶۹، این اثر، از جمله مصادر شرح حال الهی اردبیلی، کتاب روضات الجنان و جنات الجنان حافظ کربلایی
ج ۳ ص ۱۱۳، ذکر شده، که گویا این اثر با روضات الجنات سید محمد باقر خوانساری اشتباه گرفته شده است.
چون در کتاب روضات الجنان حافظ کربلایی - که در دو جلد است - یادی از الهی اردبیلی نرفته است.

۵ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۳.



حرف دوم: دلالت اعضاء و الوان و اصوات و تکلم و خنده و گریه و حرکات بدن بر اخلاق و اوصاف و احوال انسان)،

خاتمه: در بیان بهترین صورت‌ها و بدترین آنها و بعضی حکایات.

آغاز: «بسمله، سپاس بی قیاس خالق را که ترتیب اخلاق فارسان معرکه فراست...». انجام: «... و در افشاء رذائل اوصافش نکوشند الحمد لمن خلق الخلاق و السلام علی افضلهم خلقه و خلقًا».

در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) از این رساله چهار نسخه معرفی شده^۱ و نسخه دیگری بعد از چاپ فنخا در کتابخانه مرعشی شناسایی شده است.^۲

۳۵. فقه شاهی: فقه فتوایی مختصر نیکویی است فراهم آورده شده از کتب فقهای دین و علماء محققین، در هیجده کتاب که هر کدام در چندین باب است. صاحب ریاض العلماء آن را ترجمه ارشاد الاذهان علامه حلی دانسته است. تحریرهای مختلفی از این کتاب سراغ داریم و در منابع و فهرس کتب خطی به نام‌های مختلف همچون «ارشاد»، «فقه شاهی»، «فقه فارسی»، «الزبدۃ فی الفقه»، «جامع المسائل فی الفقه الامامیه» و «زبدۃ البیان» خوانده شده و آن را به غیر از الهی اردبیلی، به ملا احمد مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) و تاج الدین حسن بن غیاث الدین استرآبادی (قرن ۱۰ ق) و میر ابوالفتح حسینی عرب شاهی گرگانی (م ۹۷۶ ق) و ملا محمد تقی مجلسی و محمد باقر مجلسی، نیز نسبت داده اند. لذا نسخه‌های آن نیز پراکنده شده و باید جاهای گوناگون را جستجو کرد.^۳

در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) از این رساله پنج نسخه معرفی شده است. ۳۶. مفاتیح الغیب: از این اثر در برگ اول مجموعه خطی مهم شماره ۲۳۹۸ دانشگاه تهران یاد شده است. این مجموعه دارای چهل رساله و در حدود سال ۹۱۰ ق تحریر شده است. در این مجموعه دو اثر از الهی اردبیلی - ترجمه نهج البلاغه و تاج المناقب - موجود

۱ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۳، ص ۷۵۶.

۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۴۹، ص ۲۰۳، رساله نهم از مجموعه ش ۱۹۴۰۵، به خط عبد الصمد بن حسین محلاتی، کتابت شده در سال ۱۲۹۳ ق در ۱۷ برگ.

۳ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۴، ص ۱۸۵..

است. در آغاز این مجموعه، فهرستی از رسائل موجود در آن آمده، که متأسفانه برخی از آنها هم اکنون در مجموعه وجود ندارد. از جمله این رساله‌ها «مفاتیح الغیب» است که چنین از آن یاد شده «کتاب مفاتیح من جواب لوائح من مصنفات مولانا حسین اردبیلی» که منظور همین الهی اردبیلی است.^۱ دو رساله معروف در عرفان به فارسی به نام «لوائح» در دست است یکی تالیف عین القضاة همدانی و دیگری تالیف عبد الرحمن جامی. مشخص نیست کتاب مفاتیح الغیب الهی در مقابل کدام يك از این رساله‌ها، نوشته شده است.

همچنین دانشمندی به نام ابراهیم حقی (م ۱۱۹۵ق) در مجموعه‌ای به نام «معرفة النفس» شصت و چهار شرح از شروح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه، جمع آوری نموده است. وی در نقل پنجاه و ششمین شرح در کتابش نوشته: «من مفاتیح الغیب للحکیم الالهی»^۲، که گویا منظورش همین «مفاتیح» مورد بحث ما هست. نسخه‌ای از کتاب حقی به شماره ۱۵۴۳۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود. از کتاب مفاتیح الغیب تاکنون نسخه‌ای شناسایی نشده است.

۳۷. کشف الاسرار: الهی در شرح گلشن راز خود، مقدمه مهمی در مباحث وجود از نظرگاه حکمی و عرفانی، آورده است. الهی خود، این مقدمه را به صورت رساله مستقلی به نام «کشف الاسرار» در آورده، که رساله حاضر است. در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتخا) از این رساله پنج نسخه معرفی شده است.^۳

استاد نجیب مایل هروی این رساله را بر اساس دو نسخه - نسخه خطی آستان قدس رضوی ش ۹۳۲ و نسخه شخصی خودشان - تحقیق و تصحیح و در ضمن دفتر اول مجموعه «رسائل خطی فارسی» منتشر نموده اند.^۴ زنده یاد استاد عقیقی بخشایشی در مفاخر آذربایجان گزارش نموده اند که آقای غلام حسین حجتی نیا، نیز رساله «کشف الاسرار» الهی اردبیلی را با مقدمه‌ای در مجله کیهان اندیشه، ش ۶۳، ص ۱۲۸-۱۴۱، منتشر نموده اند.

۱ فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۰۱۱، مجموعه ش ۲۳۹۸.

۲ همان، ج ۲۶، ص ۲۲۹.

۳ مجموعه رسائل خطی فارسی، نشریه بنیاد پژوه‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دفتر اول (۲۰۰ ص)، بهار ۱۳۶۸ش، ص ۱۳۷-۱۶۷.

۴ مفاخر آذربایجان، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ج ۲، ص ۶۹۱-۶۹۳.



آقای حجتی نیا مقدمه کوتاهی بر این رساله نوشته و متن آن را از روی دو نسخه آستان قدس رضوی - نسخه ش ۶۳۸، تحریر ۱۰۴۳ق، و نسخه ش ۱۲۲۹۷ تحریر ۱۳۰۹ق - همراه با تعلیقاتی، چاپ کرده اند.^۱

۳۸. مناجات منظوم: به فارسی به وزن مثنوی، آغاز:

احد و بی نیاز و بی انباز صمد و کارساز و بنده نواز

نسخه منحصر این اثر در تهران کتابخانه شخصی مفتاح به شماره (۶۱۲/۲) نگهداری می شود.^۲

۳۹. منهج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه: اثر مورد بحث در همین مقاله که در ادامه درباره آن توضیح مبسوط داده خواهد شد.

۶. تملکها و نسخه ها به خط الهی

افندی در ریاض العلماء عنوان نموده که در اردبیل نسخه های زیادی را دیده که الهی اردبیلی آنها را به خط خود استنساخ نموده بود. متأسفانه تاکنون فقط یک نسخه به خط الهی شناسایی شده، که در دانشگاه اصفهان نگهداری می شود. این نسخه را اول بار مرحومان ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه معرفی نموده اند. بر اساس یادداشت آنها، این نسخه مجموعه ای است دارای چهار رساله که همه به خط الهی اردبیلی است، بدین ترتیب:

۱- کتاب «التحفة الشاهیه» در پزشکی به عربی، تالیف قطب الدین شیرازی، این کتاب بخش عمده مجموعه یعنی ۱۱۴ برگ را در برگرفته و حجم سه رساله بعدی با هم، فقط چهار برگ است. الهی این کتاب را در ایام اقامتش در اردبیل تحریر و در ۲۱ جمادی الثانی ۹۲۵ق، به پایان رسانده است.

۲- رساله «انعکاس الشعاعات و انعطافها» یا رساله شعاع، تالیف خواجه نصیر طوسی، که باز به خط الهی است ولی تاریخ تحریر ندارد.

۳- سمت القبلة، از ابوریحان بیرونی، به خط الهی و بدون تاریخ؛

۱ فصلنامه کیهان اندیشه، شماره ۶۳ (سال ۱۳۷۴ق)، ص ۱۲۸-۱۴۱.

۲ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۱، ص ۴۷۲.



۴- سمت قبله تبریز، از خواجه نصیر طوسی، به خط الهی و باز بدون تاریخ.^۱
این نسخه در فهرست جدید نسخه های خطی دانشگاه اصفهان معرفی گردیده، ولی اتمام کتابت تحفه شاهیه، در آن ۲۲ جمادی الاولی ۹۲۵ق، ذکر شده است. همچنین در فهرست جدید دو تصویر از صفحه اول و دوم این مجموعه، چاپ شده است. در این دو تصویر یادداشتهای و تملکات مهمی آمده، که عبارتند از:

۱. تملکی از الهی اردبیلی، با عبارت «من مملکات الفقیر الی الله العلی حسین الالهی الاربدیلی» و در زیر آن مهر وی ضرب شده بود که متاسفانه مهرش را با سیاه کردن آن محو نموده اند.

۲. تملک فیلسوف شهیر عهد صفوی میر محمد باقر استرآبادی مشهور به میرداماد، همراه با زایچه ای که میر داماد در دار الایمان قم برای (ابوالصبیح جمیل الدین طالب) در ۱۹ محرم ۱۰۱۰ق، به خط خود نوشته است.

۳. مالک بعدی حجت الاسلام سید محمد باقر شفتی است که فقط به ضرب مهرش با سجع «محمد باقر بن محمد نقی موسوی» اکتفا نموده است.^۲

از این مجموعه در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)،^۳ یاد شده است. همچنین تملک حسین بن عبدالحق اردبیلی در اول نسخه ای از شرح الاشارات خواجه نصیر طوسی، آمده است.^۴

در جلد چهل و چهارم (نمایه اعلام) فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، در موارد متعدد نام الهی اردبیلی آمده که اغلب آنها نشانی نسخه های خطی ای است که تملک یا یادداشتی از الهی اردبیلی را در بر دارند.^۵

۱ فهرست نسخه های خطی دانشگاه اصفهان، ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، منتشر شده در نشریه نسخه های خطی دانشگاه تهران، دفتر یازدهم، ص ۹۳۶، نسخه شماره ۲۸۶ دفتر ثبت ۱۶۹۵۲.

۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان، سید جعفر حسینی اشکوری، نسخه ش ۸۲۳ (شماره ثبت ۱۶۹۵۲)، ج ۳، ص ۶۴۳-۶۴۵.

۳ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۵، ص ۶۷ و، ج ۷، ص ۴۹۶.

۴ شرح اشارات، نسخه ش ۱۳۲۱ کتابخانه ملک تهران، تحریر ابراهیم صوفی در ۸۱۹ق. ر.ک: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)؛ ج ۱۳، ص ۳۷۳.

۵ ر.ک: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱، ص ۹۲۹؛ ج ۳، ص ۳۵۷؛ ج ۶، ۱۲۹؛ ج ۹، ص ۸۱۸ و



۷. اجازات الهی اردبیلی

الهی از چند استاد خود اجازات مهمی دریافت نموده و به یکی از شاگردانش هم اجازه نقل روایت داده، بدین تفصیل:

الف) اجازات الهی از اساتیدش:

۱. اجازه استادش دوانی به وی: در بخش آثار الهی ذکر شد که الهی شرحی بر کتاب شواکل الحور فی شرح هیاکل النور، استادش دوانی نگاشته است. الهی شرحش را به نظر استادش دوانی رسانده و دوانی در آغاز شرح الهی اجازه مهمی برای الهی نوشته است. تاریخ این اجازه ۱۴ جمادی الاولی ۸۹۲ ق است و متن کامل آن را افندی در ریاض العلماء نقل نموده است.^۱

۲. اجازه استادش امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی، که در هرات، بعد از قرائت قسمتی از مشکاة المصابیح خطیب تبریزی و بخشی از تفسیر انوار التنزیل بیضاوی و مناو له صحیح بخاری و صحیح مسلم، در نزد وی، روز چهارشنبه ۲۴ ذیقعده ۸۹۹ ق، نوشته و افندی متن کامل آن را نقل نموده است.^۲

ب) اجازات الهی به شاگردش:

تنها اجازه ای که از الهی باقیمانده، اجازه اش به سید کمال الدین میرزا ابراهیم صفوی اردبیلی، متولی بقعه شیخ صفی در اردبیل است. افندی در ریاض العلماء از این اجازه یاد کرده است.^۳ این اجازه را الهی در روز سه شنبه هفتم شعبان ۹۳۹ ق نگاشته، و در آن از بخشی از آثارش یاد نموده است.

مشخص نیست که آیا اجازه صادره شده از الهی فقط همین اجازه بوده، یا اینکه وی اجازات دیگری هم داشته که به دست ما نرسیده است.

۱۰۵۵: ج ۱۰، ص ۷۱۱ و ۶۴۷ و ۴۲۸؛ ج ۱۱، ص ۳۱۱؛ ج ۱۴، ص ۴۰۶؛ ج ۱۶، ص ۱۸۳؛ ج ۱۷، ص ۳۳۵ و

۷۷۹؛ ج ۱۸، ص ۲۶۴ و ۹۳۹ و ۹۴۱؛ ج ۱۹، ص ۲۰۹؛ ج ۲۶، ص ۶۷۶.

۱ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲ همان، ص ۱۰۴-۱۰۷.

۳ همان.

۸. الهی و نهج البلاغه

الهی اردبیلی برای ترویج نهج البلاغه در آغاز عهد صفوی، چهار اثر درباره نهج البلاغه تالیف نمود. نخستین اثر او در این زمینه شرح نهج البلاغه به فارسی است که در سال ۹۰۵ ق، آن را تالیف نموده و نامش را منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه نهاده است. او این شرح را به بنیانگذار سلسله صفوی، شاه اسماعیل اول صفوی تقدیم نموده است. اثر دیگر الهی در باره نهج البلاغه ترجمه فارسی آن است. او این ترجمه را هشت سال بعد از جلوس شاه اسماعیل صفوی انجام و در ۱۵ محرم ۹۱۲ ق، به پایان رسانده، و به همو تقدیم نموده است.

سومین اثر الهی در باره نهج البلاغه شرح مختصری است که از شرح مفصل خود، منهج الفصاحه، فراهم آورده است. او این اثر را در سال ۹۳۰ ق تالیف و به شاه طهماسب صفوی تقدیم نموده است. الهی شرح مختصرش را نهج الفصاحه، نامیده است. چهارمین اثر الهی، شرح و ترجمه کنایات و استعارات به کار برده شده در شرح نهج البلاغه اش منهج الفصاحه است. بدین ترتیب الهی با نگرش نو به نهج البلاغه و ترجمه و شرح پارسی آن، عرصه جدیدی را در پژوهش های شیعی گشود و این ایده از زمان حیات الهی مورد استقبال دانشمندان شیعی فارسی زبان قرار گرفته و آثار ارزشمندی در این زمینه پدید آمد.

۱/۸. شروح فارسی نهج البلاغه در عهد صفوی

گفته شد که الهی منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه را در سال ۹۰۵ ق، تالیف نموده است. برای اینکه روشن شود شرح الهی، اولین شرح فارسی نهج البلاغه است، گزارش مختصری از شرح های فارسی نهج البلاغه، ارائه می شود. شرح الهی اردبیلی، نهضتی را در تالیف شروح و ترجمه های فارسی در عهد صفوی، ایجاد نموده و در پی آن شروح متعدد فارسی از نهج البلاغه در دوره صفویه پدید آمد. که گزارشی از آنها با ذکر تاریخ تالیف هر کدام، چنین است: ۱. شرح و ترجمه عزالدین بن جعفر بن شمس الدین آملی، تالیف در سال ۹۴۴ ق، که آن را به آقا حسن وکیل السلطنه مازندران، تقدیم نموده است.^۱

۱ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۶۶، ش ۱۹۵۰.



۲. ترجمه و شرح ابو الحسن علی بن حسن زواره ای اصفهانی، که آن را روضة الابرار نامیده و در آخر ماه شوال ۹۴۷ ق به پایان رسانده است.^۱
۳. ترجمه فارسی نهج البلاغه از دانشمندی به نام جمال الدین که آن را قبل از سال ۹۵۵ ق، نگاشته و نسخه منحصر آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می شود.^۲
۴. ترجمه و شرح فارسی ملا فتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸ ق)، که آن را تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين، نامیده است.^۳
۵. شرح فارسی حکیم علی صوفی اصفهانی، که تالیف آن قبل از سال ۱۰۰۴ ق صورت گرفته است. نسخه منحصر این شرح در کتابخانه شخصی حسین مفتاح در تهران بوده و پس از آن به کتابخانه مجلس سنا منتقل شده است.^۴
۶. شرح عرفانی عبدالباقی صوفی تبریزی (م ۱۰۳۹)، خطاط و دانشمند نامدار که آن را منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه، نامیده است. این اثر با تصحیح صدیق دانشمند دکتر حبیب الله عظیمی، از سوی دفتر نشر میراث مکتوب، در سال ۱۳۸۰ ش، به چاپ رسیده است.^۵
۷. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، به فارسی، از: شمس بن محمد بن مراد (قرن ۱۱ ق)، که در سال ۱۰۱۳ ق، انجام داده و تنها يك نسخه از آن شناخته شده است.^۶
۸. ترجمه و شرح فارسی نور محمد بن قاضی عبد العزیز محلی، در رجب ۱۰۲۸ ق به پایان رسانده است.

۱ همان، ج ۳، ص ۳۱۶، ش ۱۵۴۹.
 ۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳، ص ۲۵، نسخه ش ۸۸۳۸، نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: نصیر الدین عبدالغفار بن نظام الدین محمود بن نصیر الدین بن محیی الدین محمد بن صفی الدین احمد بن تقی الدین محمد، تاریخ کتابت: ۲۶ شعبان ۹۵۵ ق، ۲۲۹ برگ.
 ۳ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۳، ص ۱۰۰، ش ۱۱۲۷.
 ۴ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس سنا، ج ۲، ص ۷۵۶، نسخه ش ۷۵۶، نوع خط: نسخ، نام کاتب ذکر نشده، تاریخ کتابت: ربیع الثانی ۱۰۰۴ ق؛ نشریه نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص ۱۸۷.
 ۵ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۴، ص ۲۳۰، ش ۲۵۶۷.
 ۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی تهران، ج ۴، ص ۳۶۰، نسخه ش (۱۹۰۹/ف)، از اول تا اواسط جزء چهارم، آغاز: الحمد لله الذی تفرد بالکمال فکل کامل سواه منقوص، نوع خط: نسخ، نام کاتب ذکر نشده، قرن ۱۱ ق، ۲۵۷ برگ.

۹. ترجمه نهج البلاغه الهی

گفته شد که الهی ترجمه نهج البلاغه خود را هشت سال بعد از جلوس شاه اسماعیل صفوی، تالیف و در ۱۵ محرم ۹۱۲ ق، به پایان رسانده است. این ترجمه را الهی بعد از شرحش بر نهج البلاغه نگاشته، زیرا الهی شرحش را در سال ۹۰۵ ق به پایان رسانده است.^۱ این ترجمه به صورت زیر نویس و تحت اللفظی در لابلای متن نهج البلاغه صورت گرفت و ترجمه های بعدی نهج البلاغه، اغلب از آن، تاثیر پذیرفته اند.

۱/۹. نسخه های خطی ترجمه الهی

در فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، چهار نسخه از ترجمه نهج البلاغه الهی اردبیلی معرفی شده^۲، با این مشخصات:

۱. کتابخانه دانشگاه تهران: ش ۲۳۹۸، نوع خط: نسخ و نستعلیق، نام کاتب ذکر نشده، تاریخ کتابت ۱۸ ذیحجه ۹۲۰ ق، ۶۴۹ برگ.^۳
۲. کتابخانه ملک، تهران: ش ۴۳۷۹، نام کاتب محمد تقی بن حسین خاتون آبادی، تاریخ کتابت ۱۰۵۶ ق، ۲۵۲ برگ.^۴
۳. کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد: ش ۳۳۶، نوع خط: نسخ، نام کاتب: محمد صالح بن محمد باقر نیشابوری، تاریخ کتابت: ۱۱۰۲ ق، ۳۸۴ برگ.^۵
۴. کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ش ۷۶۶۲، نستعلیق، بدون نام کاتب و بدون تاریخ کتابت، ۳۲۰.^۶

در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، نیز همین چهار نسخه، معرفی شده با این تفاوت که نسخه کتابخانه ملک در سه شماره معرفی شده و به همین دلیل تعداد نسخه ها به شش عدد رسیده که درست نیست.^۷

- ۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار، ج ۲، ص ۱۲۹، به نقل از دانشمندان آذربایجان، ص ۴۸.
- ۲ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۳، ص ۲۰۰، ش ۱۰۶۵.
- ۳ فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۰۰۹.
- ۴ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک تهران، ج ۷، ص ۳۷۷.
- ۵ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد، ج ۱، ص ۲۷۷.
- ۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶، ص ۱۶۲.
- ۷ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۳، ص ۹۶۴.



۲/۹. چاپ ترجمه الهی

ترجمه نهج البلاغه الهی به صورت چاپ سنگی، همراه با متن نهج البلاغه (در لابه لای سطور)، منتشر شده است. این نسخه چاپ سنگی به خط ابوالقاسم بن محمد علی خوشنویس اصفهانی، تحریر شده و در سال ۱۳۵۵ ق در تهران چاپ شده است. نسخه ای از این چاپ سنگی، در مخزن کتابهای چاپ سنگی کتابخانه حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به شماره ۱۹۲۳ نگهداری می شود.^۱ خان بابا مشار هم گزارش چاپ سنگی این ترجمه را داده است.^۲

۱۰. شرح الهی بر نهج البلاغه

گفته شد که الهی در سال ۹۰۲ ق - بعد از اتمام تحصیلات - به زادگاهش اردبیل بازگشت و در بقعه شیخ صفی مشغول تدریس و افاده شد. آن ایام مصادف با شکل گیری هسته های اولیه تشکیل سلسله صفویه بود و الهی نیز در این زمینه نقش آفرین بود. او بعد از تشکیل دولت صفویه از ملازمان شاه اسماعیل صفوی و بعد از آن تا آخر عمر خویش ملازم شاه طهماسب صفوی بود. الهی برای ترویج معارف شیعی در ایران، اقدام به ترجمه آثار مهم شیعه به فارسی و همچنین نگارش آثاری به زبان فارسی نمود. عالم متبع میرزا عبد الله افندی، در ریاض العلماء در شرح حال الهی می نویسد که: «گفته شده الهی اولین کسی بود که در اوائل صفویه، در مسایل شرعی بر مذهب امامیه به زبان فارسی کتاب نوشت».^۳

یکی از آثار مهمی که الهی برای ترویج اندیشه های شیعی در دوره آغازین سلسله صفوی تألیف نمود، نگارش شرح مفصلی بر نهج البلاغه سید شریف رضی نمود. الهی در مقدمه شرحش دلیل در باره انگیزه خود در تألیف این شرح چنین می نویسد: که بر «مسافران مراحل دانایی و مجاوران منازل بینایی» لازم است که «ریاض ایمان و بساتین ایقان را» به جواهر حکمت حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع)، «سر سبز و شاداب دارند». چون

۱ فهرست کتاب های چاپ سنگی کتابخانه آستان حضرت معصومه (س)، ص: ۴۳۳.

۲ مشار فارسی، ۱/۱۳۱۶.

۳ ریاض العلماء، میرزا عبد الله افندی، ج ۲، ص ۹۸: «ویقال انه اول من صنف فی الشرعیات علی مذهب الشیعة فی ذلك الزمان بالفارسیة».

«کلام آن حضرت مشتمل است بر مقاصد بعثت انبیا و رسل و معالجه نفوس انسانی از مرض جهالت و ظلمت این دنیای فانی» و ملتفت ساختن طبایع آدمی به آخرت دایمی». بعد این ابیاتی را در اهمیت نهج البلاغه می آورد، با این مطلع:

چه گویم ز گفتار شاه بشر

کز او فهم حیران خرد بی خبر

الهی بعد می نویسد که اکثر اوقات در خاطرش خطور می کرد که کتاب نهج البلاغه را به فارسی شرح نماید، اما به واسطه تراحم علایق و تراکم عوایق به تاخیر می افتاد، تا آنکه شبی از عالم غیب اشارتی رسید و روزش قاصدی از جانب یکی از اخوان صفا، این کتاب را بدین جانب رسانید و بعد از آن شروع به نگاشتن شرحش نمود. از این گفته چنین بر می آید که الاهی شرحش را قبل از تشکیل دولت صفویه نگاشته و در سال ۹۰۵ ق به پایان رسانده بود. ولی بعد از تشکیل دولت صفویه برای آن، شرحش را به شاه اسماعیل صفوی تقدیم نموده است، چنانچه خود در مقدمه شرحش گوید:

«تا وقتی که این منبع زلال علوم و معارف و معدن جواهر حکم و لطایف سمت انتظام یافت و در بازار اشتهار جلوه گر آمده روی از زاویه خفا و اکتتام برتافت و بعد از آن که شروع کرده بودم».^۱

الهی بعد از نگارش تقدیمه خود به نام شاه اسماعیل صفوی (در گذشته سال ۹۳۰ق)، عنوان می کند که نام شرحش را «منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه» نامیده است. افندی هم در ریاض العلماء تصریح می کند که الاهی شرحش - منهج الفصاحه - را به نام شاه اسماعیل صفوی، نگاشته است.^۲

۱/۱۰. الاهی دو شرح نوشته یا یک شرح

سوالی که در باره شرح الاهی بر نهج البلاغه از بیست سال پیش ذهن نگارنده را درگیر کرده،

۱ از عبارت تقدیمه الاهی به شاه اسماعیل صفوی در آغاز منهج الفصاحه. این تقدیمه فقط در نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۱۳۴۱۴ آمده و در پاورقی منهج الفصاحه، جلد اول نسخه چاپی ص ۴۴-۴۵، به نقل از آن نسخه، تمامی عبارت تقدیمه الاهی نقل شده است.

۲ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۲.



این است که آیا الهی دو شرح - یکی مفصل و دیگری تلخیص آن - بر نهج البلاغه نوشته، یا شرح الهی یکی بیش نیست و اختلاف در خطبه نسخه های کتاب می باشد. برای پاسخ به سوال مذکور، باید به بررسی نسخه های خطی شرح نهج البلاغه الهی پردازیم.

۲/۱۰. نسخه های خطی شرح الهی

شرح نهج البلاغه الهی اردبیلی، در تمامی نسخه های آن با این سر آغاز شروع می شود: «بهترین خطبه ها که سخنوران معارف و ما ينطق عن الهوى در معركة نهج البلاغه و منهج الفصاحه اعلام حقایق آن بر افراشته اند». اما نسخه های خطی که تاکنون از شرح الهی - منهج الفصاحه و تلخیص آن - شناسایی شده، عبارتند از:

شش نسخه از شرح الهی در فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث، با این مشخصات معرفی شده است:

۱. مشهد، آستان قدس رضوی: ۲۱۷۶، آغاز: برابر نمونه، نستعلیق، الله بخش بن مراد بخش طارمی، ربیع الاول ۹۷۵ ق، ۳۰۰ برگ.
۲. تهران، دکتر علی اصغر مهدوی: ۱۷۷، عنوان معرفی: منهج الفصاحه = نهج الفصاحه، جلد اول، نسخ، ابراهیم حاجی قاسم قزوینی، ۱۰۳۷ ق.
۳. تهران، مجلس شورای اسلامی: ۴۱۴۴، آغاز: برابر نمونه، نسخ و نستعلیق، بدون نام کاتب، ۱۰۶۸ ق، عربی نسخ و فارسی نستعلیق، ۲۸۳ برگ.
۴. قم، مرعشی: ۴۰۳۱، جلد اول، آغاز: برابر نمونه، نستعلیق، محمد حسین، ۸ رجب ۱۰۷۱ ق، ۳۰۳ برگ.
۵. مشهد، آستان قدس رضوی: ۱۳۴۱۴، آغاز: برابر نمونه، نسخ، محمد معصوم بن شاه محمد، ۱۰۹۹ ق، ۳۴۴ برگ.
۶. تهران، مجلس شورای اسلامی: ۷۸۳۸، از آخر افتادگی دارد، آغاز: برابر نمونه، نسخ، بدون نام کاتب، بدون تاریخ کتابت، ۲۶۳ برگ.^۱

۱ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۵، ص ۲۰۰، ش ۲۶۶۲.

سر آغاز تمامی این شش نسخه - به جز نسخه ردیف دوم، که در فهرست آغاز آن نقل نشده - با سر آغاز ذکر شده در بالا برابر است.

در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) علاوه بر شش نسخه مذکور، سه نسخه دیگر، معرفی شده، با این مشخصات:

۷. مشهد، مسجد گوهرشاد، ش ۲۱۸۸، به خط نسخ خوش، کاتب: معزالدین محمد بن سلطان محمد قاری نیریزی، تاریخ کتابت ۱۰۸۵ ق.

شایان ذکر است که این نسخه منهج الفصاحه نیست بلکه همان شرح استعارات منهج الفصاحه است که قبل از این معرفی شده است.

۸. قم، مرعشی: ۱۴۰۲۹، جلد اول، آغاز: برابر نمونه، نسخ، ملک علی بن حاجی بهزاد ایزد خواستی، ۱۶ رجب ۱۱۳۰ ق، ۲۸۰ برگ.

۹. تهران، مجلس شورای اسلامی: ۵۲۹، آغاز برابر نمونه، جلد اول، نسخ و ثلث، بدون نام کاتب، بدون تاریخ کتابت، ۶۳۰ ص.^۱

و نسخه دیگری از شرح الهی هم بعد از چاپ فنخادر کتابخانه آیت الله مرعشی شناسایی شده است.^۲

۱۰. محمد علی خان تربیت تبریزی هم در کتاب دانشمندان آذربایجان گزارش داده است که نسخه ای از منهج الفصاحه در کتابخانه اسعد پاشا در استانبول موجود است. نسخه هشتم و نهم و دهم هم، سر آغازش با شش نسخه قبلی برابر است.

۳/۱۰. بررسی نسخه ها

از بررسی نسخه ها، این نتایج به دست می آید:

متن همه نسخه ها - با چشم پوشی از اختلاف جزئی در برخی الفاظ که به خطاهای کاتبان بر می گردد - با هم برابر هستند و فقط نسخه شماره ۱۳۴۱۴ آستان قدس رضوی با

۱ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ۳۴۸.

۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۴۹، ص ۲۲۸، نسخه ش ۱۹۴۲۳، جلد اول، به خط محمد رضا صاحب الزمانی ارومی، کتابت شده در سال ۱۳۶۴ ق در ۲۳۹ برگ.



بقیه نسخه‌ها تفاوتی دارد که در ادامه توضیحش خواهد آمد. در همه نسخه‌ها مولف بعد از خطبه، این عبارت را آورده است:

«... تا وقتی که این منبع زلال علوم و معارف و معدن جواهر حکم و لطایف، سمت انتظام گرفت و به منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه التیام پذیرفت. و چون مشتمل بود بر تفصیل فنون و حقایق و تاویل صنوف دقایق و نبود در خور افهام ابنای این ایام که به قصور همّت در تحصیل معرفت و حکمت موصوفند و به فتور سعی و عزیمت در اکتساب فضیلت معروف، دوم بار به اختیار طریقه اختصار شتافت و این مختصر زیور اختتام پذیرفت».^۱

همچنین در تمامی نسخه - بجز يك نسخه - مولف بعد از عبارت مذکور، کتابش را به شاه طهماسب صفوی تقدیم نموده و نام شاه اسماعیل را نیز احتراماً با داعی که نشان از درگذشت او دارد، آورده است.

پس در نسخه‌هایی که به شاه طهماسب تقدیم شده، مولف اظهار می‌دارد که قبلاً منهج الفصاحه را تالیف نموده و الان در صدد تلخیص آن است. پس این اثر تقدیم شده به شاه طهماسب نمی‌تواند خود کتاب منهج الفصاحه باشد، بلکه تلخیص آن است، که در برخی نسخه‌ها نام این تلخیص «نهج الفصاحه» ذکر شده است.

اما نسخه شماره ۱۳۴۱۴، آستان قدس رضوی با اینکه سرآغازش با نسخه‌های قبلی برابر است، در تقدیمیه تفاوت دارد. در این نسخه نامی از شاه طهماسب نیست و مولف کتابش را به شاه اسماعیل صفوی تقدیم نموده و صراحتاً بعد از عبارت تقدیمیه عنوان نموده که نام شرحش را «منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه» نهاده است و سخنی از تلخیص در میان نیست. ولی خطبه و متن این نسخه - با چشم پوشی از اختلاف در تقدیمیه - با بقیه نسخه‌ها، برابر است.

با این توضیحات معلوم می‌شود که الهی شرحش موسوم به «منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه» ابتدا به شاه اسماعیل صفوی (درگذشته ۹۳۰ ق) تقدیم نموده، چنانچه افندی هم در ریاض العلماء بدان تصریح نموده و نسخه‌ش ۱۳۴۱۴ آستان قدس رضوی هم موید آن است.

۱ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶، ص ۳۲۰.

با این تفصیل یا باید بگوییم تاکنون نسخه ای از منهج الفصاحه شناسایی نشده و تمامی نسخه های شناخته شده از شرح الهی، تلخیص آن هستند چنانچه این نظریه را، راقم سطور حدود بیست سال پیش، در فهرست مجلس متذکر شده است.

ولی اگر معتقد باشیم که نسخه آستان قدس همان اصل منهج الفصاحه می باشد و تقدیم آن به شاه اسماعیل هم آن را تایید می کند باید به دنبال توجیهی برای اقدام الهی باشیم. که ابتدا کتابش را به شاه اسماعیل صفوی تقدیم نموده بعد همان کتاب را - با ادعای تلخیص - دوباره به فرزند او یعنی شاه طهماسب تقدیم کرده در حالی که تلخیصی در کار نبوده است. و شاید هم بتوان گفت انگیزه الهی را در تقدیم مجدد کتاب به شاه طهماسب، به علاقه الهی برای انتشار شرح فارسی نهج البلاغه بر می گردد. زیرا تقدیم کتاب به شاه، دستور شاه برای تکثیر نسخه های کتاب و انتشار آن، را در پی داشته است. و در زمان الهی تنها راه نشر اندیشه و علم همین طریق بوده است. بنابر این الهی فقط تقدیمیه کتاب را از شاه اسماعیل به شاه طهماسب تغییر داده و قصدش فقط مورد توجه قرار گرفتن اثرش بوده است. اما اینکه عنوان نموده قصد تلخیص دارد، می تواند اشاره به عدم رواج کتابش تا آن زمان داشته باشد و او می خواسته با این عبارت کاتبان و خوانندگان را به استنساخ کتابش ترویج نماید. و الله اعلم

۴/۱۰. چاپ شرح الهی

خوشبختانه اخیراً جلد اول از شرح الهی شرح تا آخر شرح خطبه هشتم، با عنوان منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه؛ گزاره فارسی نهج البلاغه، منتشر شده است. مشقت تصحیح و تحقیق این اثر سترگ را سرکار خانم الهه روحی دل و ویرایش و نگارش علمی آن را دوست دانشمند شیخ عبد الله غفرانی مشهدی، متحمل شده و به شکل زیبا و مطلوب منتشر شده است.^۱ امید است مجلدات بعدی این شرح نفیس به زودی به زیور طبع آراسته شود. در این تصحیح از شش نسخه استفاده شده، بدین ترتیب:

۱. آستان قدس رضوی ش ۲۱۷۶، با علامت (ض ۱)؛

۱ منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه؛ گزاره فارسی نهج البلاغه؛ تحقیق: الهه روحی دل - ویرایش و نگارش علمی: عبدالله غفرانی، جلد نخست، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ ش، ۵۴۴ ص، وزیری.



۲. مهدوی تهران، با علامت (م)؛
۳. مجلس ش ۴۱۴۴، با علامت (ج ۱)؛
۴. مرعشی ش ۴۰۳۱، با علامت (ن)؛
۵. رضوی ش ۱۳۴۱۴، با علامت (ض ۲)؛
۶. مجلس ش ۷۸۳۸، با علامت (ج ۱)؛

ولی از سه نسخه دیگر که در بالا از آنها یاد شد، در این تصحیح استفاده نشده است. اما در نام گذاری کتاب منتشر شده به «منهج الفصاحه»، متأسفانه مصصح محترم به عبارت مولف که در فوق نقل گردید، توجهی ننموده و توضیحی نداده است. و عبارت مذکور را بدون هیچ توضیحی در مقدمه آن چاپ کرده است. در حالی که بر اساس عبارت مذکور این اثر باید «تلخیص منهج الفصاحه» است و خود منهج الفصاحه نیست.

۱۱. گزارشی از محتوای شرح الهی

الهی ادیبی توانمند و متفکری ارجمند است و این دو ویژگی موجب گردیده که شرحی ارزشمند و ممتاز بر نهج البلاغه، از خود به یادگار بگذارد. او علاوه بر گزارش نهج به نثر فارسی، از تاثیر شعر در مخاطب غافل نیست و شرحش را در موارد متعدد به اشعارش آراسته است. استفاده الهی از شعر از ویژگیهای منحصر شرح او به شمار می رود که در دیگر شروح کمتر دیده می شود.

۱/۱۱. اشعار الهی در شرح نهج البلاغه

گفته شد که الهی در شرحش در موارد متعدد از اشعارش درج نموده است. برای نشان دادن ذوق ادبی الهی اردبیلی، ابیاتی از اشعار وی درج می شود.

۱. در توحید: سام میرزا این رباعی بیت را از اشعار الهی اردبیلی درج نموده:

ای گشته ز ذات خود هویدا چون نور	ذرات جهان ز نور تو گشت ظهور
کنه تو ز دانش خردها مستور	وجه تو ز ادراک نظر ها همه دور

۱ عرفات العاشقین: «ذرات جهان ز نور تو یافت ظهور».

این رباعی را الهی در مقدمه کتاب خود تاج المناقب آورده است.

در خطبه منهج الفصاحه چنین گوید: ^{۱۲}

چون کند آغاز به نام کریم
فاتحه وحی الهی است حمد
حمد خداوند سراید حکیم
فاتح گنجینه شاهی است حمدا

تویی در چشم جان مشهود و شاهد
کمال توست وصفی کان سراید
تویی در هر زبان محمود حامد
جمال توست حسنی کان نماید ^۱

از ذروه عرش تا دل خاک همه
در کنه کمال ایزد پاک همه
بل عالم لامکان و افلاک همه
سر برده به جیب ما عرفناک همه ^۲
۱. در فضیلت ذکر لا اله الا الله:
آن ذکر که صیقل دل گمراه است
عارف به وی از جمال حق آگاه است
۲. در مدح حضرت پیامبر (ص):

چشم و چراغ رسل و انبیا
عالم و آدم به تو پیدا شده
پادشه کشور هر دو سرا
نور یقین از تو هویدا شده
لطف خدایی چه بود حلم تو
بر همه آن پیش تو چون آفتاب ^۳
هر چه شده کشف به فکر صواب
گنج الهی چه بود علم تو
۳. در مدح حضرت پیامبر (ص):
ای جمله انبیا ز خیل تو همه
وی عالم جسم و جان طفیل تو همه

۱ منهج الفصاحه، چاپی، ج ۱، ص ۳۳.

۲ همان، ص ۴۸.

۳ همان، ص ۹۲.

۴ همان، ص ۳۴.



از بهر نجات دست امید زده

خاصان جناب حق به ذیل تو همه^۱

به وقت نطق بود فرض بر نفوس و عقول

نخست حمد خدا ثانی اش ثنای رسول^۲

۳. در مدح اهل بیت پیامبر (ص):

طایفه ای را که خدا ره نمود
گوهر عصمت همه رازیب وزین
جمله ز خود فارغ و با حق قرین
نکته سرایان همه از سرّ ذات

بر دل ایشان در رحمت گشود
طاعت جمله همه را فرض عین
جمله کلید در گنج یقین
یافته جان از دم ایشان حیات^۳

۴. در مدح امیر المومنین علی (ع):

امیر المومنین شاه ولایت
دُر شَهور بحر پادشاهی
سپهر دین، شه برج امامت
از او مکشوف راز آسمانی
صفات حق چنان ظاهر بُد از شاه
ز دستش تشنگان در روز محشر
علی و احمد از يك نور بودند
نمود او اولیا را ره به توحید

کزو گشته عیان راه ولایت
در گنجینه علم الهی
که عالم یافت از فضلش کرامت
کلید مخزن سرّ نهانی
که شك کردند در وی، کوست الله
کشند آب حیات از جام کوثر
دو در چشم کج احوال نمودند
از او گشتند خاصان اهل تفرید^۴

۵. در مدح نهج البلاغه: الهی در مقدمه منهج الفصاحه در باره نهج البلاغه، چنین

سروده:

چه گویم ز گفتار شاه بشر
در او مندرج شرع را اصل و فرع

کز او فهم حیران خرد بی خبر
مبین از او مشکل عقل و شرع

۱ همان، ص ۵۲.

۲ همان، ص ۵۳.

۳ همان.

۴ همان، ص ۳۷.

بود فقره هایش ز روی شرف
 در او طالع از مطلع هر سخن
 گرانمایه درّها ز بحر نجف
 جهانگیر نوری ز علم لدن
 فروزان از آن نور امّ الکتاب
 ز هر فصل او شرع را فتح باب^۱

چو نهج البلاغه نیابی کلام
 گرفته سر ذیل اعجاز را
 که هر فقره زان ذوالفقار سخن
 هر آن معنی کان دوی دل است
 بلاغت بدو سحر را کرده رام
 فصاحت بر او ختم کرده کلام^۲
 ۶. در لزوم تمسک به اهل بیت (ع):
 دلا از جفای حسودان مرنج
 بکن فاش گل های بستان آل
 که آن برتر است از کلام انام
 گشاده در عالم راز را
 فکنده سر از منکران کهن
 ز ترکیب زیبای وی حاصل است
 ز آل نبی باش جوئی گنج
 مخور غم ز خار دد بد سگال^۳

۲/۱۱. مثنوی های الهی در شرح نهج البلاغه

الهی علاوه بر درج رباعی و قطعاتی در شرحش، در موارد متعدد مضمون خطبه ها را در قالب یک مثنوی بیان نموده، که به چند مثنوی وی و تعداد ابیاتش اشاره می شود.

۱. مثنوی در مراتب چهارگانه توحید، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل بیست و پنج بیت، با این مطلع:

چهار آمد مراتب بهر توحید
 به نزد صاحب تجرید و تفرید^۴

۲. مثنوی در خلقت انسان، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل پانزده بیت، با

این مطلع:

۱ همان، ص ۳۸.

۲ همان، ص ۸۲.

۳ همان، ص ۴۰.

۴ همان، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.





- غذا شد نطفه، نطفه خون بسته شد آن خون مضغه از خون رسته^۱
۳. مثنوی در مسلط بودن آدم بر دیو و شیطان، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل سیزده بیت، با این مطلع:
- چنین گویند اهل ذوق و وجدان که هست آدم محیط دیو و شیطان^۲
۴. مثنوی در اقسام توبه، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل چهارده بیت، با این مطلع:
- ز کافر توبه را کفر است و طغیان ز فاجر از جور و فسق و عصیان^۳
۵. مثنوی در مدح حضرت پیامبر (ص)، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل یازده بیت، با این مطلع:
- جهان روشن ز مهر شاه لولاک ز فیضش آدم از عصیان شده پاک^۴
۶. مثنوی در ده شرط قرائت قرآن، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل صد و دوازده بیت، با این مطلع:
- اگر خواهی تلاوت کردن آغاز در آن ده شرط هست ای محرم راز^۵
۷. مثنوی در تشویق به گزاردن حج، در ذیل شرح خطبه اول نهج البلاغه، شامل هیجده بیت، با این مطلع:
- ز گل نازده سر تو را حبّ دل ز حبّ وطن مانده ای پا به گل^۶
۸. مثنوی در شرایط امام، در ذیل شرح خطبه شانزده، شامل نه بیت، با این مطلع:
- امامی که معصوم بود از گناه نَبَد کذب را پیش آن شاه راه^۷
- و در بیت هشتم آن تخلص خود ذکر نموده در بیت:

۱ همان، ص ۱۶۸.

۲ همان، ص ۱۷۳.

۳ همان، ص ۱۸۵.

۴ همان، ص ۲۰۲.

۵ همان، ص ۲۰۹-۲۱۵.

۶ همان، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۷ همان، ص ۳۰۲.

اماما به حق بشیر و نذیر «الهی» بیچاره را دست گیر

۹. مثنوی در اخلاق، در ذیل شرح خطبه شانزده، شامل یازده بیت، با این مطلع:

عدالت بود اصل خلق نکو دگر حکمت و عفت ای نیک خو^۱

۱۰. مثنوی در نصیحت و موعظه، در ذیل شرح خطبه شانزده، شامل نده بیت، با این

مطلع:

در این فرصت که مرگت نیست دمساز ز توبه کار خود را چاره ای ساز^۲

۱۱. مثنوی در قوانین شریعت، در ذیل شرح خطبه هفدهم، شامل نه بیت، با این مطلع:

قوانین شریعت حق از آن است که عادات طبیعت را کند پست^۳

۱۲. مثنوی در مدح علی (ع)، در ذیل شرح خطبه بیست و دو، شامل پنج بیت، با این

مطلع:

سجود طینت آدم از آن شد بر ملک واجب که لامع بود از او نور علی بن ابی طالب^۴

و در ذیل شرح خطبه سی و هفت، شامل شش بیت، با این مطلع:

شهنشاه فلک رفعت امیر المومنین حیدر

که روشن گشته از خاک در او چشم هفت اختر^۵

۱۳. مثنوی در موعظه و نصیحت، در ذیل شرح خطبه بیست و سه، شامل یازده بیت، با

این مطلع:

گر تو را هست درهم و دینار صرف کن بهر اجر روز شمار^۶

۱۴. قطعه در صله ارحام، در ذیل شرح خطبه بیست و سه، شامل پنج بیت، با این مطلع:

حواشی و اتباع و خویشان کس چو اعضای وی جمله فریاد رس^۷



۱ همان، ص ۳۰۹.
۲ همان، ص ۳۱۲-۳۱۳.
۳ همان، ص ۳۲۶.
۴ همان، ص ۳۴۷.
۵ همان، ص ۴۳۱.
۶ همان، ص ۳۵۳.
۷ همان، ص ۳۵۶.



۱۵. مثنوی در اقسام مردمان در دنیا، در ذیل شرح خطبه سی و دو، شامل بیست و شش بیت، با این مطلع:

حال مردم در این سرای سپنج منقسم شد به صنفهایی پنج^۱

۱۶. مثنوی در توحید، در ذیل شرح خطبه چهل و نه، شامل چهارده بیت، با این مطلع:

پس این پرده چرخ نوا ساز نواسازی مدان جز عالم راز^۲

۱۷. قطعه در مناجات به درگاه الهی، در ذیل شرح خطبه چهل و نه، شامل هفت بیت، با

این مطلع:

الها تویی موجد انس و جان گواه وجود تو کون و مکان^۳

۱۸. قصیده در منتقبت، در ذیل آخرین نامه، شامل سی و هفت بیت، با این مطلع:

سپهر فضل و جهان کرم ولی خدا

که گرد رهگذرش بهر چشم عقل جلاست^۴

۱۹. مثنوی در زهد و ورع، در ذیل کلمه علی (ع): کن فی الفتنة کابن اللبون، شامل

بیست و سه بیت، با این مطلع:

حذر کن ز خواری و حرص و طمع که عزت فزاید ز زهد و ورع^۵

۲۰. مثنوی در وصف دل، در ذیل کلمه علی (ع): لقد علق بنیاط هذا الانسان بضعة هی

اعجب ما فیه، شامل هیجده بیت، با این مطلع:

در انسان است دل اعجوبه دهر که گه تریاق باشد گاه چون زهر^۶

۲۱. مثنوی در وصف عهدنامه مالک اشتر، شامل بیست و چهار بیت، با این مطلع:

نظر کن در این عهد شاه کرم که نقد علوم است و اصل حکم^۷

۱ همان، ص ۴۰۷.

۲ همان، ص ۴۶۲.

۳ همان، ص ۴۶۶.

۴ نسخه عکسی نهج الفصاحه (مختصر منهج الفصاحه)، شماره ۲۸۲، کتابخانه شخصی نگارنده، ص (۲۵۶ الف).

۵ همان، ص (۲۵۶ ب).

۶ همان، ص (۲۶۳ ب).

۷ همان، ص (۲۴۸ الف).

این بود نمونه هایی از اشعار و مثنوی ها و قطعاتی که الهی اردبیلی در اثنای شرح خود بر نهج البلاغه درج نموده است. امید که جامعه عملی ما از این شرح ارزشمند بهره برده و آن را به نسل جدید معرفی نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

منابع

• مجلات و نشریات

۱. اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ش)، زیر نظر عبد الحسین نوایی، ۱۳۷۷-۱۳۸۰ش، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۶ ج.
۲. احسن التواریخ، حسن بیگ روملو (قرن دهم)، به کوشش دکتر عبد الحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک، اسفند ۱۳۵۷ش، وزیری، ۸۰۷+۱۶ص.
۳. اردبیل در گذرگاه تاریخ، بابا صفری، دانشگاه آزاد اردبیل، بهار ۱۳۷۱ش، ۳ ج.
۴. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، تهران، انتشارات فروغی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش، دو جلد، جمعاً در ۱۱۶۹ص.
۵. تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی (م ۹۷۵ق)، تصحیح و مقدمه از رکن الدین همایونفرخ، تهران، شرکت سهامی چاپ انتشارات، کتب ایران، بی تا، وزیری، ۴۳۸ ص.
۶. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، انتشار ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۱-۱۱۴، مدخل «الهی اردبیلی». جلال الدین حسین»، نویسنده نجیب مایل هروی.
۷. دایرة المعارف تشیع، ج ۲، انتشار ۱۳۷۲ش، ص ۳۲۵-۳۲۶، با دو مدخل «الهی اردبیلی. جلال الدین حسین» و «الهی اردبیلی. کمال الدین حسین»، که هر دو یک نفر هستند.
۸. ریاض الجنه، میرزا محمد حسن زنوزی، روضه چهارم در احوال دانشمندان، تحقیق علی رفیعی علامرودشتی، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۸۴-۱۳۹۵ش، وزیری، ۵ ج.
۹. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، تحقیق سید احمد



- حسینی، قم، مطبعه خیام، ۱۴۰۱ق، ۷ج.
۱۰. عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تقی‌الدین محمد اوحدی حسینی دفاقی بلیانی اصفهانی (۹۷۳-۱۰۴۰ق)، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش، ۸ج.
 ۱۱. فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، عماد‌الدین شیخ الحکمایی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ش، ۴۰+۳۱۷ص.
 ۱۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی یزد، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ش، ۲ج.
 ۱۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۵ش، وزیری، ج ۴۷، ش ۱۸۵۰۱-۱۸۹۰۰، سید محمود مرعشی نجفی با همکاری محمد حسین امینی، ۱۰۴۶ص.
 ۱۴. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱-۱۳۹۳ش، ۴۵ج.
 ۱۵. فهرستگان نسخه خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدراپی خویی، قم، موسسه دارالحدیث، ۱۳۷۵-۱۳۹۰ش، ۱۲ج.
 ۱۶. گلشن راز و شروح مختلف آن (مقاله)، احمد گلچین معانی، منتشر شده در نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، دفتر چهارم (تهران، ۱۳۴۴ش).
 ۱۷. گلشن راز، متن و شرح بر اساس قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شروح گلشن راز، به اهتمام دکتر کاظم دزفولیان، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۸۲ش، وزیری، ۶۵۶ص.
 ۱۸. مفاخر آذربایجان، عبد‌الرحیم عقیقی بخشایشی، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵ش، ۵ج.
 ۱۹. منهج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه گزاره فارسی نهج البلاغه، جلد نخست (از آغاز شرح تا آخر خطبه هشتادم)، با تصحیح و تحقیق الهه روحی دل و ویرایش و نظارت علمی عبد‌الله غفرانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ش، وزیری، ۵۴۴ص.

• مجلات و نشریات

۲۰. مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۳ (سال ۱۳۷۴ق)، ص ۱۲۸-۱۴۱. (تصحیح کشف الاسرار الهی همراه با مقدمه توسط غلامحسین حجتی نیا)
۲۱. مجموعه رسائل خطی فارسی - نشریه بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، دفتر اول، بهار ۱۳۶۸ش، ص ۱۳۷-۱۶۷ (رساله هشتم آن کشف الاسرار الهی اردبیلی، به تصحیح استاد نجیب مایل هروی).
۲۲. نسخه های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، زیر نظر محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، دوازده دفتر، ۱۳۳۹ ۱۳۶۲ش.
۲۳. مجله وقف میراث جاویدان، مقاله دکتر محمدرضا برزگر خالقی، با عنوان «شرح حال و آثار الهی اردبیلی»، منتشر شده در ش ۹ (بهار ۱۳۷۴ ش)، ص ۱۳۲-۱۴۳.



